

Martyr Haj Qasem Soleimani in Contemporary Poetry

Ismat Fatemeh¹, Majid Jafari²

1. Graduate School of Literature and Humanities, Bent al-Hoda Higher Education Institute, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

2. Language, Literature, and Cultural Studies Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Abstract

Martyrdom is a divine blessing bestowed upon the pious, leading to their ultimate felicity. It has certain foundations, one of the highest of which is martyrdom in the battlefield of jihad and struggle against falsehood. Martyr Soleimani is the most exemplary model in every field. He was a martyr defending the sanctity of guardianship (Wilayah) and one of the great figures of resistance and jihad in the Islamic world. A martyr cannot be introduced by merely listing a few attributes because his life was based on divine verses. This article aims to investigate the most prominent characteristics of Haj Qasem Soleimani in contemporary poetry, the verses of the Holy Quran, narrations, and the statements of the Supreme Leader. The research method is descriptive-analytical and relies on contemporary poetry. The fundamental question of the research is: based on contemporary poetry, do the most prominent characteristics of Haj Qasem Soleimani align with the most prominent characteristics of a human being in the Quran and narrations? The findings indicate that Martyr Soleimani possessed numerous characteristics that have been expressed in contemporary poetry, the Holy Quran, hadiths, and the statements of the Supreme Leader. The most important of these were adherence to guardianship and following the tradition of the Prophet of Islam, sincerity, faithfulness to one's pledge, defending the oppressed, and fighting against oppressors. These characteristics motivated him to become a distinguished personality in the Islamic world. He is a practical model whose martyrdom awakened people worldwide against injustice, and we must strive to attain his attributes, particularly his sincerity.

Keywords: Poetry (Classical and Modern), Contemporary Literature, Martyr Haj Qasem Soleimani.

¹ Email: esmatfatima2022@gmail.com

² Email: 6479810430@mou.ir

شهید حاج قاسم سلیمانی در شعر معاصر

عصمت فاطمه^۱، مجید جعفری^۲

۱. مدرسه عالی ادبیات و علوم انسانی، موسسه آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. استادیار مجتمع آموزش عالی زبان، ادبیات و فرهنگ شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

چکیده

شهادت، یکی از الطاف الهی است که نصیب حال انسان‌های باتقوا می‌شود و به عاقبت بخیری آنها می‌انجامد. شهادت پایه‌هایی دارد یکی از بالاترین پایه‌های آن شهادت در میدان جهاد و پیکار علیه باطل است. شهید سلیمانی شاخص‌ترین الگو در هر زمینه است. شهید مدافع حریم ولایت و یکی از چهره‌های بزرگ مقاومت و جهاد در دنیای اسلام است. شهید را با ذکر چند صفات نمی‌شود معرفی کرد؛ به این علت که زندگی او براساس آیات الهی تکیه دارد. بررسی شاخص‌ترین اوصاف حاج قاسم سلیمانی در شعر معاصر، آیات قرآن کریم و روایات و بیانات مقام معظم رهبری از اهداف و پرسمان این نوشتار است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به شعر معاصر است. پرسش بنیادین پژوهش این است که بر پایه شعر معاصر آیا برجسته‌ترین ویژگی‌های حاج قاسم سلیمانی با برجسته‌ترین ویژگی‌های یک انسان در قرآن و روایات مطابقت دارد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شهید سلیمانی از ویژگی‌های فراوانی برخوردار بود که همان ویژگی‌ها در شعر معاصر، قرآن کریم، احادیث، بیان رهبر معظم بیان شده است که مهم‌ترین آنها ولایت پذیری و عمل به سنت پیامبر اسلام، اخلاص، وفا به عهد، دفاع از ستم‌دیده و مبارزه با ستمکار بود. این شاخصه‌ها انگیزه‌ای شد تا ایشان یک شخصیت ممتاز در جهان اسلام باشد. او الگویی عملی است که شهادت او موجب بیداری مردم جهان در برابر ظلم شد و باید برای دستیابی به اوصاف او (به‌ویژه اخلاص وی) تلاش کنیم.

کلید واژه‌ها: شعر (کلاسیک و نو)، ادبیات معاصر، شهید حاج قاسم سلیمانی.

¹ Email: esmatfatima2022@gmail.com

² Email: 6479810430@mou.ir

۱. مقدمه

سردار سلیمانی با توجه به خصوصیات بارز اخلاقی که داشت نه تنها در ایران بلکه در کل جهان به عنوان یک اسوه مقاومت مشهور بود که سرمشق بسیاری از بزرگان شد. مردم ایران با توجه به اینکه سردار سلیمانی یک شخصیت ایرانی بود رفتار و اخلاق او را از نزدیک دیده بودند آن را یک الگوی دینی، مذهبی و حماسی قبول داشتند به ویژه شاعران برخی از اشعار خود را در بیان رشادت‌ها، ایثار، شهامت، بزرگواری‌ها، از خودگذشتی‌ها و جانفشانی‌های سردار سلیمانی اختصاص دادند. شعر معاصر فارسی، به ویژه در شاخه ادبیات پایداری و گفتمان مقاومت، یکی از مهم‌ترین عرصه‌های بازنمایی قهرمانان جمعی و چهره‌های تعیین‌کننده تاریخ معاصر ایران و منطقه بوده است. در این میان، شهادت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، که در افکار عمومی به عنوان نماد اقتدار ملی، شجاعت میدانی و پیونددهنده جبهه‌های گوناگون مقاومت در غرب آسیا شناخته می‌شود، موجی تازه از تولیدات شعری را در ایران و جهان عرب برانگیخت و سیمای او را به یکی از پر حضورترین چهره‌ها در شعر پایداری سال‌های اخیر بدل ساخت.

از منظر جامعه‌شناسی ادبیات، شعر نه فقط رسانه‌ای زیبایی‌شناختی، بلکه ابزاری مؤثر در تثبیت یا جابه‌جایی دلالت‌های هویتی و سیاسی در یک جامعه است. در گفتمان رسمی جمهوری اسلامی ایران نیز همواره بر نقش شعر در «انتقال، حفظ و نوسازی سنت‌ها، آرمان‌ها و قهرمانان انقلاب» تأکید شده و مجالس شعرخوانی و آیین‌های یادبود - از جمله مراسم بزرگداشت شهید سلیمانی - به صحنه‌های مهمی برای تولید و بازتولید معنای قهرمانی و شهادت بدل شده‌اند. در چنین فضایی، شعر معاصر درباره حاج قاسم، تنها سوگنامه یا ستایش‌نامه فردی نیست، بلکه میدان شکل‌گیری و چرخش گفتمان‌هایی است که مفهوم «قهرمان ملی - فراملی»، «شهید جهانی مقاومت» و «مرد میدان وحدت» را سامان می‌دهند. نویسندگان در این مقاله با بررسی شعر شاعران انقلاب شخصیت سردار سلیمانی را در چهار محور زیر بررسی کرده‌اند: ۱. درس مقاومت ۲. ولایت‌پذیری و سنت پیامبر ۳. صفات والای انسانی ۴. شهادت طلبی. ادبیات پایداری، هرچند ریشه‌های عمیقی در تاریخ ادبیات فارسی و عربی دارد، اما در دوران معاصر خود را به صورتی نو و متحول درآورده است. نظریه پردازان و منتقدان ادبی نشان داده‌اند که ادبیات پایداری پس از انقلاب اسلامی ایران،

به‌ویژه در دوران دفاع مقدس و بعد از آن، به دو شاخه عمده تقسیم شد: «پایداری داخلی» (مقابل با استبداد و ظلم درون‌زا) و «پایداری فراملی» (مقابل با استکبار و تجاوز خارجی).

۲. اهداف و ضرورت پژوهش

هدف و ضرورت نگارش این مقاله، با ترسیم خطوطی روشن از نقش شهید قاسم سلیمانی در شعر معاصر، تحلیل دقیق نحوه بازنمایی شخصیت او در گفتمان‌های ملی و فراملی است تا پیوستگی میان حماسه، سوگ و سیاست را در زبان شاعران نشان دهد و به فهم عمیق‌تر از چگونگی شکل‌گیری هویت جمعی و گفتمان مقاومت در فضای ادبی معاصر کمک کند؛ به عبارت دیگر، این مقاله باید نتیجه دهد که چگونه سیمای او در شعر، هم از منظر زیبایی‌شناسی و هم از منظر گفتمان‌کاوی، بازتاب‌دهنده ناهم‌سازی‌ها و هم‌راستایی‌های گفتمانی میان سنت‌های ادبی کلاسیک و تحولات سیاسی و اجتماعی دوران حاضر است.

۳. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه ادبیات پایداری نشان می‌دهد که سیمای شهیدان مقاومت از جمله حاج قاسم سلیمانی در شعر معاصر عمدتاً در قالب الگوهای اسطوره‌ای، حماسی، آیینی و عاشورایی ترسیم می‌شود؛ به گونه‌ای که شاعر با بهره‌گیری از شگردهایی چون تشبیه به اولیای کربلا، مجازهای مکانی و زبان حماسی، این شخصیت‌ها را از سطح یک فرمانده نظامی به مرتبه نمادهای فراتاریخی و فرامکانی ارتقا می‌دهد. مهمترین تحقیقات انجام شده در این حوزه عبارتند از:

«ادبیات پایداری (مطالعه موردی: مدیریت و شجاعت حاج قاسم سلیمانی)»، اسماعیل جعفری ۱۴۰۳، همایش بین‌المللی فرهنگ و ادبیات فارسی. «نقش قهرمان ملی در استحکام هویت ملی (مطالعه موردی: شهید قاسم سلیمانی)»، محمد جمیری ۱۴۰۴، مجله مطالعات ملی شماره ۱۰۲. «رهبری اخلاقی مکتب شهید قاسم سلیمانی: پژوهشی فراترکیب»، جواد پورکریمی ۱۴۰۳، مجله مدیریت اسلامی شماره ۱۳۰. «شهید قاسم سلیمانی؛ الگوی جبهه حق و انقلاب از منظر نهج البلاغه»، مهدی مرادیان ۱۴۰۳، مجله تفسیر متون وحیانی شماره ۸. خودسازی، جامعه پردازی، تمدن‌سازی و مکتب مدیریتی شهید قاسم سلیمانی»، زهره علیمردانی ۱۴۰۳، مجله مطالعات راهبردی دفاع ملی شماره ۳۰.

۴. بحث و بررسی

۱-۴. درس مقاومت

مقاومت برای دفاع از جان، مال، زن و فرزند، سرزمین، شرف، ملیت و استقلال کشور از مقولات مقدس و مورد اتفاق همه انسان‌هاست. هیچ فردی و هیچ قوم و ملتی تسلیم در برابر متجاوز را نمی‌پسندد. مردم با هر عقیده و آئینی، دفاع از سرزمین خود را امری مقدس و قابل تحسین می‌دانند. دستور به مقاومت در برابر متجاوزان اختصاص به مکتب اسلام ندارد، بلکه هر ملتی آن را مشروع و حق مسلم خود می‌داند.

«استقامت از ارکان اصلی زندگی بشری و مهم‌ترین عامل موفقیت انسان و همه جوامع انسانی است. در قرآن کریم، مقاومت به استقامت تعبیر شده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مؤمنین را امر به استقامت و پایداری کرده و در آیات متعدد به استقامت کنندگان و صابران وعده برخورداری از مواهب الهی و امدادهای غیبی و پیروزی داده است. برخلاف آنچه بعضی می‌پندارند، فطری بودن دین، منحصر به اصل توحید و خداپرستی نیست، بلکه شامل تمام اصول و فروع می‌شود. بر این اساس مقاومت نیز یک امر فطری است و جهاد در مقابل متجاوزان در فطرت انسان وجود دارد و هر کسی با فطرتش درک می‌کند که در مقابل تهاجم دشمن باید از خود دفاع کند.» (شیرازی، ۱۳۸۵: ۷۷)

عدم مقاومت نشان دهنده قایل نبودن ارزش برای خود است که اگر انسان ارزش خود را از دست داد هیچ کس برای او ارزش قایل نیست. در قرآن کریم و احادیث برانجام دادن این امر تأکید شده است. امام خمینی رحمته الله، آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب، سید حسن نصرالله و قاسم سلیمانی به‌عنوان آزادی خواهان جهان بر این امر تأکید دارند و در حدیثی امام علی علیه السلام می‌فرماید: «اوصیکما بتقوی الله... وکونا للظالم خصما و للمظلوم عوناً» «شما را سفارش می‌کنم به تقوای الهی... و دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید.» (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

سلیمانی نه تنها خود در برابر این امر الهی تسلیم شد، بلکه دیگران را هم به این امر دعوت کرد و انگیزه مقاومت را در مردم ایجاد کرد تا هر جا نیاز به انجام دادن این امر الهی باشد مردم حاضر باشند و دشمن به هدفش نرسد. شهید قاسم سلیمانی با بصیرت خود فهمیده بود که تنها عنصر نجات بخش اسلام، مقاومت است به همین دلیل گروه‌های مقاومت را برای مقابله با آمریکا و صهیونیسم جهانی سازمان‌دهی کرد و به مبارزه با آنها پرداخت.

امروزه جبهه مقاومت که در کشورهای مختلف جهان راه یافته است به صورت یکپارچه و متحد به مقابله با دشمنان می پردازند این همه تلاش و زحمت شهید عزیز است. زمانی که سردار سلیمانی با صهیونیسم می جنگید، اسلحه اصلی آنها سنگ بود اما امروز مقاومت با همت و تلاش این شهید بزرگوار طوری تقویت شده که از آسمان و زمین بر سر صهیونیست ها آتش می بارد و آنها را مجبور به تسلیم می کند. دفاع در برابر ظلم متجاوزان، اصل قرآنی و مورد تأکید خداوند است و سردار سلیمانی با تمسک به قرآن کریم در این راه آگاهانه گام برداشت و البته خداوند نیز همواره یاریگر و پشتیبان او بود تا آنجا که او پیروز میدان شد. زندگی قاسم سلیمانی به ما درس می دهد که در برابر استکبار و متجاوزگران باید ایستادگی کرد زیرا این امر الهی است و خداوند خود ضمانت کننده آن است و یاریگر مظلومان خواهد بود به شرط آنکه در راه دفاع و مقاومت کوتاهی نکنند.

پیامبر ﷺ می فرماید: «هر کس داد مظلوم را از ظالم بگیرد، در بهشت با من یار و هم نشین باشد.» (مجلسی، ۱۳۱۵: ۳۵۹). این حدیث نشان می دهد که از نظر اسلام مقاومت آن قدر مهم است که هر کس این امر را به جا بیاورد پاداش آن بهشت خواهد شد. در حدیث دیگر بیان می شود که پیامبر ﷺ فرمودند:

«يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: وَعَزَّتِي وَجَلَالِي لَا تُنْقِمَنَّ مِنَ الظَّالِمِ فِي عَاجِلِهِ وَ آجِلِهِ وَلَا تُنْقِمَنَّ مِمَّنْ رَأَى مَظْلُومًا فَقَدَّرَ أَنْ يُنْصِرَهُ فَلَمْ يُنْصِرْهُ».

«خداى عزوجل مى فرماید: به عزّت و جلالم سوگند که از ظالم در دنیا و آخرت انتقام مى گیرم و از کسى هم که مظلومى را ببیند و بتواند یاریش کند و نکند بى گمان انتقام مى گیرم.» (متقی، ۱۴۱۹: ۵۰۵).

و این حدیث پیامبر نشان می دهد هر کس از دفاع از مظلوم عقب نشینی کرد مورد خشم خدا قرار می گیرد و نهضتی که سردار پرچمدار آن بود بر پایه اصول قرآنی طراحی شده بود. اصولی که خداوند خود ضامن پیروزی و سربلندی آن بود و او مصداق این آیات و روایات است که خود به حکم خدا عمل کرد و دیگران را هم به عمل خود برای انجام دادن این حکم خدا تشویق کرد که نتیجه آن امروزه در کشورهای مختلف دیده می شود. گرچه اکنون سردار بین ما نیست ولی هدف و درس عملی که داد سرمایه ای است که مردم امروزه از آن استفاده می کنند. حمید رضا برقعی معتقد است اگر چه شهید سلیمانی از میان ما رفته اما نهضتی که او برپا کرد گویی تازه شکوفه زده و شروع شده است.

چه رفتنی ست که پایان اوست بسم الله چه آخری ست که آغاز می شود از سر

۲-۴. شجاعت حقیقی، صبر است

شجاعت قوه‌ای است که در میدان مختلف زندگی انسان آشکار می شود شجاعت در میدان جنگی، عقلی و اخلاقی. صبر شامل شجاعت اخلاقی می شود که در حدیث امام علی علیه السلام بیان شده است. امام علی علیه السلام می فرماید: «الشَّجَاعَةُ صَبْرٌ سَاعَةً» «شجاعت، ساعتی صبر کردن است.» (مجلسی، ۱۱: ۱۳۱۵). صبر یک نوع شجاعت است و به اصطلاح ادبی تنوین در شجاعة، اصطلاحاً تنوین تفعیم و بزرگ شمردن است. یعنی اینکه اگر انسان صبر داشته باشد، شجاعت مهمی است.

در نگاه امام علی علیه السلام شجاعت حقیقی، صبر است. انسانی که بتواند در مواقع مختلف (مثلاً در حین گناه، انجام وظیفه یا در برابر سختی ها و ناملایمات) صبر کند، به حقیقت شجاع است. دنیا، دنیای امتحان است لذا مسائل مختلفی پیش می آید، گاه در بیماری و گاه در فقر و ناداری است که انسان باید با صبر و استقامت مسائل خود را حل کند. کم صبری باعث خواهد شد در هیچ زمینه‌ای انسان موفق نشود. گاهی در کارهای اقتصادی با افرادی مواجه می شویم که وقتی وارد شغلی می شوند کم صبری نموده و به نتیجه نمی رسند و شغل خود را فوراً تغییر داده و وارد حرفه‌ای دیگر می شوند در نتیجه هیچ وقت موفق نمی شوند. ولی افرادی هم هستند که در رشته‌ای استقامت به خرج می دهند و در همان رشته قوت یافته و بعد از مدتی سختی کشیدن، به آسانی رسیده و رشدشان آغاز می شود.

«صبر از واژه‌های کلیدی قرآن است که بیش از هفتاد بار به صورت گوناگون در قرآن به کار رفته است. این واژه، به یکی از ریشه‌های بنیادین اخلاقی و صفات برجسته انسانی دلالت دارد که زمینه ساز آراستگی انسان به فضیلت های بسیاری است. در قرآن، سرآغاز بسیاری از خوبی ها، صبر دانسته شده و پاداشی که برای آن یادآور شده، بی شمار است. قرآن به روشنی بر این نکته پافشاری می ورزد که صبری مورد ستایش خداوند است که انگیزه اش تنها جلب رضایت خداوند باشد.» (سالاری راد، ۱۴۰۱: ۳۸) «ولریک فاصبر» «صبرت را فقط برای پروردگارت قرار بده، نه برای احدی غیر از او» (مدثر/ ۷) «و آنها به خاطر ذات (پاک) پروردگارشان شکیبایی می کنند.» (رعد/ ۲۲)

با وجود این که در اسلام، اصل، عمل انسان است و در آخرت براساس عمل هر کس به او پاداش یا جزا داده می شود اعمال انسان، اگر مطابق دستورات الهی و احکام دین او باشد که به آنها عمل صالح گفته می شود، که چنین اعمالی مستحق پاداش آخرتی هستند که خداوند در قرآن می فرماید: «مگر کسانی که (در سایه ایمان واقعی) اهل صبر و عمل صالح هستند (نه با رفتن نعمت مأیوس و نه با آمدن آن فخرفروشی نمی کنند). برای آنان مغفرت و پاداشی بزرگ خواهد بود» (هود/ ۱۱)

بدیهی است که صبر شهید سلیمانی نشانه شجاعت و ایمان او بود به مردم دنیا درس داد که همیشه شجاعت با شمشیر و ابزار جنگی نیست بلکه با قوه درونی و صفات شایسته می توان دشمن را شکست داد.

"مجتبی احمدی" در شعری این بعد زندگی حاج قاسم سلیمانی را این گونه وصف می کند:

چون کوه، صبور و راد ماندی، ای مرد تو دشمن حزب باد ماندی، ای مرد
 "محمد شکری فرد" صبر سردار را در شعری با صبر حضرت زینب (س) تشبیه کرده است:

که داغ دیده ای اما دلت نلرزیده. که صبر زینبی ات بی حد است، فرمانده!
 "مرجان اکبرزاد" هم صبر سردار را در شعری با حرم حضرت زینب (س) تشبیه داده است:

ای سنگ صبورت حرم زینب کبری تو چشم و چراغ و کرم کربلایی

۳-۴. خاشع بودن او در برابر خدا سبب ترس دشمن

بعضی ها خشیت و حزن را یکی می دانند این دو صفت جداگانه است که به پیش آمدن واقعات مختلف برای انسان، ظاهر می شود. «حزن و اندوه، حالتی است که بر اثر مصائب و ناملازمات بر قلب هر انسانی، عارض می شود این حالت برای همه انسان ها وجود می آید. تاریخ نشان داده است که پیامبران و امامان نیز به حزن دچار می شدند.» (محفوظی، ۱۳۹۶: ۱۲۶).

«وَقَالَ يَا أَسْفَى عَلَى يُوسُفَ وَأَبْيَضْتُ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ». «گفت: وای اسفا بر فراق یوسف! و

از گریه غم چشمانش سفید شد و سوز هجران و داغ دل بنهفت.» (یوسف/ ۸۴)

امام علی (ع) هنگام دفن حضرت زهرا (ع) رسول اکرم (ص) را مخاطب ساخت و فرمود: «يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَمَا حُزْنِي فَسَرَمْتُ، وَ أَمَا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ». «غم و اندوهم طولانی خواهد بود و شبم با

بیداری خواهد گذشت.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۲)

«حزن برای همه انسان‌ها یک امر طبیعی است حتی در انبیاء و اولیاء هم وجود دارد با این تفاوت که افراد عادی وقتی که با غم و اندوه مواجه می‌شوند ممکن است سخن ناروا بگویند خود را معرض خشم قرار دهند اما اولیاء خدا همواره از قضای خدا راضی هستند نه تنها کلام ناروا نمی‌گویند در مصائب از خدا کمک می‌خواهند.» (محفوظی، ۱۳۹۶: ۱۲۷)

امام زین العابدین در دعای مکارم الاخلاق خطاب به خدا می‌فرماید: «بارها! اگر محزون و غمگین گردم، پناهگاه معنوی و ذخیره روحی من تو هستی.» (مفاتیح الجنان، دعای مکارم اخلاق) خداوند متعال در قرآن کریم در بیان پاداش افراد صبور می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ.» «کسانی که گفتند پروردگار ما خداست، سپس [بر عقیده‌شان] ایستادگی کردند، [هنگام مرگ] فرشتگان [با بشارت] بر آنان فرود می‌آیند به اینکه: نترسید و غمگین نشوید و به همان بهشتی که وعده داده می‌شدید، شادمان باشید.» (فصلت/ ۳۰)

امام صادق علیه السلام فرموده است: «الحزن شعار العارفين» «حزن شعار اهل معرفت است» (گیلانی، ۱۴۰۰: ۱۸۷). ممکن است این سوال پیش آید که چگونه است از یک طرف آیات می‌گویند حزن و اندوه برای مؤمن نیست و در روایت آمده حزن شعار مؤمنین است. این تضاد ظاهری چگونه قابل حل است؟ «باید دید که منشأ غم و اندوه چیست؟ غم و اندوه مؤمنان از سر دنیا خواهی، ریاست طلبی یا از دست رفتن مال، منال و مقام نیست. آنان هیچ خوف در از دست دادن دنیا و مواجهه شدن با مرگ و رخت برپستن از این جهان خاکی ندارند. اما در مرگ عزیزان، ستم کردن به مردم، گمراه شدن مردم و امثال آن محزون می‌شوند.» (محفوظی، ۱۳۹۶: ۱۲۸)

قاسم سلیمانی در برابر خدا خود را هیچ ندانسته و در زندگی خود حزن برای از بین رفتن مال دنیا نداشت فقط در مقابل عظمت و بزرگی خدا خاشع و همیشه سرگرم انجام وظیفه بود. کسی که محب دنیا نباشد هیچ ترس از دست دادن جاه و مقام، جان و مال را ندارد و از کسی نمی‌ترسد برعکس آن مخالفان خدا و دشمنان اسلام از وجود و نام او وحشت زده می‌شدند.

شاعر "علی معلم دامغانی" این بعد زندگی قاسم سلیمانی را در شعر بیان کرده است:

رایت شوکت مسلمانی سیف دین قاسم سلیمانی
قاصم کفر و سیف اسلامی رسته جان از خودی و خودکامی
ای پس افکند قرن‌ها عظمت دشمنت خاک باد در قدمت
خه بنام ایزد حاج قاسم گُرد پهلوی پارسای و خوزی و کُرد

۴-۴. یاور مظلوم و دشمن ستمگر

امام علی علیه السلام در نامه به «مالک اشتر» فرمانروای مصر، این مسأله را یادآور می‌شود و به او سفارش می‌کند: «مقداری از وقت خود را در اختیار نیازمندان، ضعیفان و محرومان قرار بده و درهای "دارالاماره" را باز بگذار، تا مردم آزادانه و بدون موانع نزد تو بیایند و مشکلات خود را با تو در میان بگذارند تا خود شخصا به کارها و گرفتاری‌های ایشان رسیدگی نمایی؛ چرا که من بارها از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: لن تقدس امه لایؤخذ للضعیف فیها حق من القوی غیر متعتع» (امتی که حق ضعیفان را از زورمندان با صراحت و بدون خوف و ترس نگیرد، هرگز پاک نمی‌شود و روی سعادت را نمی‌بیند.) (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

عمده‌ترین وظیفه ما مبارزه با ظالم و دفاع از مظلوم است، اگر ما از فرمایش مولا بهره نبریم و مطابق دستورالعمل ایشان عمل نکنیم و خود را به مبارزه با ظالم و دفاع از مظلوم موظف نسازیم معلوم است که شیعه بودن ما شیعه بودنی شعاری خواهد بود و ما بهره‌ای از فرهنگ تشیع و غنای فکری و فرهنگی و دینی خود نبرده‌ایم.

بسیاری از جنگ‌هایی که در صدر اسلام واقع شد، تحت همین عنوان بود. مسلمانان که می‌آمدند بجنگند می‌گفتند: ما با توده‌های مردم جنگی نداریم، بلکه با حکومت‌های ظالم و ستمگر آنها می‌جنگیم، شعارشان هم این بود که توده‌ها را از ذلت و بردگی این حکومت‌های ظالم نجات دهیم و موانع پرستش و بندگی خدا را از سر راه آنها برداریم.

سلیمانی دشمن ستمگران بود در مقابل آنان ایستادگی کرد؛ به آنان مهلت نداد که بر مظلوم غلبه کنند، ایستادگی و دلسوزی او فقط محدود به یک کشور یک منطقه یا یک ملتی نبود در کل جهان هر جا مظلومیت را دید برای کمک آنان قدم برداشت. سردار خطاب به هم‌زمان خود می‌گوید: «همیشه عزم راسخ شما، هوشمندی و بصیرت شما، ایستادگی، قاطعیت و شجاعت شما می‌تواند همه دشمنان را هر چند به ظاهر بزرگ و نیرومند باشند، بشکست بکشاند.»

«شهید قاسم سلیمانی در یک جمله اشداء علی الکفار رحماء بینهم بود. با دشمنان بسیار سرسخت، سازش ناپزیر، تیز و برنده و با دوستان بسیار گرم و صمیمی بود.» (حجازی، ۱۳۹۹: ۶۹). قرآن در آیات گوناگونی پذیرش جفا و ستم را نکوهیده و بر مقاومت در برابر بیدادگران و یاری رسانی امت اسلامی به ستمدیدگان پافشاری ورزیده است. «مؤمنان کسانی هستند که وقتی ببینند به یکی از ایشان ظلم شده از یکدیگر طلب یاری و نصرت می کنند، چون همگی بر سر حق متفق و متحدند و اگر به یکی از آنها ظلم شود مانند این است که به همه آنها ظلم شده و همه یکدل و یکرنگ به مقابله با آن ظلم می پردازند.» (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۹۳)

به حق سردار سلیمانی یکی از مصادیق این آیه است که ظلم بر مظلومان دنیا را ظلم بر خود می دانست و دشمن آنان را دشمن خود می دانست و با حکم خدا در مقابل آنان ایستادگی کرد. شاعر این ویژگی شهید را این گونه در شعر می آورد:

به حاج همت و چمران قسم، خود از عرفانی بتاز تا صف آل ذلیل را بشکافی
سر قبایلی از این قبیل را بشکافی سپاه ابرهه و فرق فیل را بشکافی
و قدس منتظر توست، نیل را بشکافی برای حضرت موسای این زمانه عصایی
در آن طرف حججی ها خراب چشم سیاهش در این طرف دل جامانده هاست چشم به راهش

۵. ولایت پذیری و عمل به سنت پیامبر ﷺ

ولایت یکی از ارکان اصلی و آموزه های اساسی دین مبین اسلام و به تعبیر دقیق تر اساسی ترین آن است. مهم ترین مسئله رهبری امت اسلام پس از پیامبر اکرم ﷺ است که به اعتقاد شیعه، به امر خدا و پیامبر ﷺ بر عهده امامان دوازده گانه بوده است و پس از ایشان و در زمان غیبت امام عصر ﷺ بر عهده فقیه عادل، آگاه جامع الشرائط است. ولایت در زمان رسول خدا با پیامبر و در زمان ائمه، با ائمه علیهم السلام تحقق یافت و در زمان غیبت امام معصوم علیهم السلام، با نایبان عام آن حضرت است که از سوی حجت الهی، حجت بر خلق هستند، چنان که امام زمان ﷺ می فرماید: «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ أَحَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ» «برای حل مشکلات در حوادث امور سیاسی، عبادی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی و... به روایان حدیث و فقهاء مراجعه کنید که آنها در زمان غیبت، خلیفه و حجت من

بر شما هستند و من حجت خداوند بر آنها می‌باشم.» (حرّ عاملی، ۱۳۸۶: ۱۰۱) خداوند در قرآن کریم به ولایت پذیری امر کرده است و امر خداوند با حکمت است.

«هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ» (ولایت و قدرت) از آن خداوند بر حق است. (کهف/ ۴۴)

این آیه بیانگر آن است که یکی از خصوصیات فرد مسلمان، پذیرفتن ولایت خداوند متعال، رسول اکرم ﷺ و معصومین و کسانی است که در ویژگی‌ها و خصوصیات اعتقادی و علمی و رفتاری در مسیر آن بزرگواران قرار دارند ولایت پذیری بارزترین ویژگی قاسم سلیمانی بود. معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری کرمانشاه بیان داشت وقتی که ۷۳ درصد از کل خاک سوریه توسط دشمنان تصرف شد و دولت بشار اسد در آستانه سقوط کامل بود، حضرت آقا امر کردند که بشار باید بماند از این رو حاج قاسم هیچ وقت نگفتند، چگونه؟ فقط گفتند سمعا و طاعتا... و این یعنی ولایت پذیری یک سرباز در مقابل ولی و البته این اطاعت از روی منطق هم بود و با تدبیر و درایت حاج قاسم به نتیجه هم رسید.

۶. صفات والای انسانی

انسان دارای صفات متعددی است که آن صفات بعضی خوب و بعضی بداند؛ صفات خوب انسانی، جواهراتی هستند که در اعماق وجود انسان می‌درخشند و موجب جذب دیگران واقع می‌شوند. «آنچه در وجود گسترده آدمی به ودیعه نهاده شده، نشانه‌های علم، قدرت و حکمت اوست و در میان آفریدگان هیچ پدیده‌ای چون انسان و به قدری، دارای سر و حکمت نیست. از میان آدمیان است که خلیفه‌الله به وجود می‌آید و نخستین انسان خلیفه الهی بود. انسان داندند جمیع اسمای الهی و به تعبیر عرفا، مظهر همه اسما و صفات خلوند است.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۲۸). حاج قاسم سلیمانی دارای صفات الهی بود که روحیه جذب مردم راداشت امروزه آشنایی مردم جهان از شخصیت حاج قاسم سلیمانی بیانگر این مطلب است

۱- ۶. امانت دار بودن

امانت داری یکی از صفات والای انسان است که اگر انسان با این صفات روبرو است این موجب احترام نزد مردم می‌شود و اعتماد مردم را کسب می‌کند. در احادیثی که از پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام به ما رسیده است اهمیت فوق العاده‌ای به این مسئله داده شده گاه از امانت یکی از اصول اساسی مشترک در میان همه ادیان آسمانی یاد شده و گاه به عنوان نشانه اصلی ایمان و گاه به عنوان سبب جلب و جذب رزق و روزی و اعتماد مردم، سلامت دین و دنیا و غنا و بی نیازی یاد شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۸۲)

حاج قاسم دارای این صفات بود به وسیله این صفات مقام بالای را به دست آورد نه فقط برای مردم کشور خود عزیز بود و است بلکه در نظر مردم کشور دیگر هم دارای شهرت و مقامی است. شاعر "زیبا پرواز" شاخص ترین صفات زیبا شهید را در شعری این گونه اشاره می کند:

به بسم الله الرحمن الرحيم اول صبحت نداد شمس و الضحی کمال روح تنهائیت

۲-۶. صدق و راستگویی

این صفت یکی از بارزترین نشانه های شخصیت هر انسانی است که با امانت همراه شود و عنوان راستی و درستی مطرح گردد، مجموعه شخصیت انسان را نشان می دهد. «در کنار این صفت، صفات ممتاز دیگری است که در واقع لازم و ملزوم یکدیگرند چه اینکه راستگويان غالباً افراد شجاع صریح اللهجه، با اخلاص و دور از حب و بغض های افراطی و تعصبند. در حالی که دروغگويان معمولاً افرادی ترسو، ریاکار، متعصب و لجوج، طماع یا گرفتار حب و بغض های غلط هستند.» (شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۹۹) قاسم سلیمانی صفات والایی انسان را داشت که یکی از آن صدق و راستگویی او بود. شاعر "محمد رضا ترکی" صداقت حاج قاسم را اینگونه وصف می کند:

مردم که شهامت تو را می دیدند خورشید رشادت تو را می دیدند
ای کاش در این دروغ گویان مقام یک ذره صداقت تو را می دیدند

۳-۶. وفای به عهد

وفای به عهد، مانند اکثر واژه های اخلاقی، متقابل و طرفینی است. وفا ممکن است بین خدا و بنده باشد یا میان دو انسان یا بین دو گروهی که باهم پیمانی امضا کرده اند. عهد و پیمان انسان با خدا می تواند دو گونه باشد:

۱. پیمانی که با پذیرش ایمان تقبل می شود؛ رعایت دستورهای اخلاقی دین و عمل به احکام فقهی اسلام از جمله پیمان های فرد با خدا است.

۲. پیمان هایی که به صورت عهد، نذر، قسم و... متقبل می شود. در هر صورت، خداوند متعال در برابر ادای این تعهدات از سوی انسان ها، خود را متعهد کرده که آنها را به سعادت و موفقیت در دنیا و آخرت نایل کند. «شیرازی، ۱۳۸۵: ۳۲۰»

«و اوفوا بعهدی اوف بعهدکم» «به پیمانم وفا کنید تا به پیمانتان وفا کنم» (بقره ۴۰) نکته قابل توجه در آیه این است که تردیدی در وفای خداوند به وعده خود وجود ندارد؛ ولی این وفا مشروط به وفای انسان‌هاست. قاسم سلیمانی با عهد خداوند وفا کرد در زندگی خود دستورات اخلاقی، فقهی را رعایت کرد و خداوند هم با عهد خود وفا کرد در دنیا به او مقام و مرتبه داد که به لقب سردار شهرت پیدا کرده و آخرت او با مقام شهادت رقم خورد که در کلام معصوم شهادت میراث آئمه بیان شده است.

شاعر "محمود ژولیده" در شعر یکی از صفات برجسته قاسم سلیمانی وفا به عهد اشاره می‌کند:

گروهی عاهدوالله و گروهی من قَضَى نَحْبَه وَ مِنْهُمْ يَنْتَظِرُ جَمْعِي، بر این عزم و وفا به خدا را شکر ما داریم این یارانِ ایمانی بخوان در بین این آیات از قاسم سلیمانی ببین اوج همایش را میان موجِ هم عهدی که می‌نوشتند صف در صف ز جام وصل، هر شهدی

۴-۶. عزت نفس

یکی از پایه‌های اساسی شخصیت آدمی و باعث سربلندی انسان است. عزت نفس مایه آزادگی و والایی همت است. عزت‌مندان هرگز در مقابل ذلت و بندگی دیگران تسلیم نمی‌شوند و سرمایه شرافت و آزادگی خود را با هیچ قیمتی معامله نمی‌کنند.

بنظر کوپر اسمیت (۱۹۶۷) عزت نفس شامل موارد ذیل هستند: ۱. قدرت: وقتی من شخص احساس قدرت کند می‌تواند روی سایرین اثر بگذارد و کارهایش را خوب انجام دهد و عزت نفس او بالا می‌رود ۲. مهم بودن: وقتی شخص متوجه شود که اهمیت دارد و در زندگی دیگران مهم است عزت نفس او بالا می‌رود ۳. پای‌بندی به آداب و قوانین اجتماعی و اخلاقی ۴. موفقیت.

«عزت نفس در اثر نیاز، به نظر مثبت به وجود می‌آید و شامل برخورد گرم و محبت آمیز، احترام، صمیمیت و پذیرش و مهربانی است که از طرف محیط اجتماعی و اولیاء خود تأمین می‌گردد. بنابراین محیط اجتماعی در رشد عزت نفس تأثیر به‌سزائی داشته و می‌توان آن را یکی از انگیزش‌های اجتماعی محسوب نمود.» (اسلامی نسب، ۱۳۷۲: ۲۸۳)

عشق و محبتی که مردم ایران بلکه آزادی خواهان جهان نسبت به این مرد بزرگ نشان دادند به خاطر صفات والای اوست عزت و آبروی قاسم سلیمانی محصول اخلاصش بود، او در میدان مبارزه جهاد

اصغر را با جهاد اکبر و مبارزه با نفس ممزوج کرد تا عزیز دل‌ها شد. سردار نه تنها عزت نفس را برای خود قایل بود بلکه در وجود دیگران هم غرور در برابر متکبر، عزت نفس، اعتماد به نفس، را کاشت. پیام "علی اکبر ولایتی" دبیر کل مجمع جهانی درباره شخصیت قاسم سلیمانی: «سردار سرافراز حاج قاسم، مایه شرف و افتخار تمامی مسلمانان، آزادی خواهان، عدالت جویان و مستضعفان تحت ستم در سراسر عالم بود. شخصیت بی نظیر او ابعاد گوناگونی را شامل می‌گردید، در عین حالی که فرمانده شجاع، لایق و جسور بود، دیپلماتی ورزیده، مسلط و سیاست‌مداری زیرک و باهوش و شخصیتی مدیر و مدبر بود که معنویت، اخلاص، توکل، تضرع به درگاه خدا و سرباز ولایت بودن از وی شخصیتی جامع و همه جانبه نگر پدید آورد.

۵-۶. اخلاص

اخلاص یکی از صفات اخلاقی انسان والایی است که برکات الهی را به دنبال دارد. انسان اگر به نیت خالص همه کار را برای خدا انجام می‌دهد خدا خود با موفقیت کار او را به پایان می‌رساند و یار او خواهد شد. «راز بقاء انقلاب، اخلاص افراد است در درون وجود ما، بزرگ‌ترین دشمن ما کمین گرفته و آن، نفس اماره و شهوات و خودخواهی و خودپرستی‌های ماست. هر لحظه‌ای که بتوانیم، این کار گزنده و این دشمن کشنده را سر جای خود بنشانیم ولو به طور موقت در آن لحظه، ما موفق و سعادتمند و قادر بر عمل و مقاومت و ایستادگی و جهاد فی سبیل الله هستیم». (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۶: ۱۳۳)

قاسم سلیمانی از عمل زندگی خود نشان داد که او بنده خدا است بنده نفس نیست، برای شهرت و عزت دنیا عمل نکرد بلکه برای رضایت و تقرب خدا قدم برداشت و با کمک خداوند به مقصدش رسید که خداوند خود در قرآن فرموده است: بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ» «وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» آری، هر که تسلیم حکم خدا گردید و نیکوکار گشت مسلّم اجرش نزد خدا خواهد بود و آنان را هیچ خوف و اندیشه و هیچ اندوهی نخواهد بود. (بقره، ۱۱۲)

شاعر "علی‌رضا خطیب زاده" این صفات حاج قاسم را در شعری اینگونه وصف می‌کند:

به اخلاص و به کوشش خدمت خلق خدا بنمود از آن، مردم همه هستند خواهان سلیمانی

۷. شهادت طلبی

شهادت به کشته شدن در راه خدا اشاره دارد که در احادیث از آن به عنوان بالاترین نیکی و گرامی ترین مرگ یاد شده است. در آیات قرآن و روایات، برای شهادت آثاری همچون زنده ماندن، برخورداری از حق شفاعت و آمرزش گناهان ذکر شده است. شهادت نزد خدا مقامی است که نصیب همه انسان ها نمی شود مردم برای کسب این مقام خودسازی می کنند وظیفه خود را انجام می دهند واجبات و محرمات را رعایت می کنند در یک جمله زندگی خود را اینگونه می گذرانند که خدا دستور داده است و عمل آنان مصداق صِبْغَةِ اللَّهِ است چون شرط شهید شدن، شهید بودن است تا وقتی که کسی صفات شهید را نداشته باشد مقام شهادت را به دست نمی آورد خود حاج قاسم به این مطلب اشاره کرده: «شرط شهید شدن، شهید بودن است. اگر امروز بوی شهید از رفتار و اخلاق کسی استشمام شد شهادت نصیبش می شود. تمام شهدا دارای این مشخصه هستند.»

شهدا راه سختی را طی می کنند تا به مقصد خود به شهادت برسند قبل از رفتن به جبهه با نفس خود جهاد می کنند که در روایت اشاره شده، جهاد با نفس، جهاد اکبر است. قال الامام علی علیه السلام: «أَفْضَلُ الْجِهَادِ جِهَادُ النَّفْسِ عَنْ الْهَوَى وَفِطَائِهَا عَنْ لَذَاتِ الدُّنْيَا» (غررالحکم، ح ۲۲۳۲)

امام علی علیه السلام فرمودند: «برترین جهاد، مبارزه کردن با هوای نفس و بازگرفتن آن از لذت های دنیاست. کسی که می خواهد با نفس جهاد کند در مقابل نفس خود تسلیم نشود این نفس انسان را به طرف گناه دعوت می کند و از اعمال خوب باز می دارد مقدمه گناه، پیروی از هوای نفس است اگر مقدمه فراهم نشود کار هم ادامه نمی یابد و مقدمه اعمال خوب تسلیم شدن در مقابل خدا و معرفت اوست که اگر مقدمه درست شد کار هم درستی به اتمام می رسد. قاسم سلیمانی تا وقتی که بین ما بود شهادت آرزویش بود و برای رسیدن به آرزوی خود راهی طولانی را طی کرد، سختی دید، ظلم دید، مقاومت کرد؛ قهرمان یک ملت نبود، قهرمان جهان بود، هیچ توجه به جاه و مقام نداشت. امروزه ما نتیجه این زحمت شهید را می بینیم، شاید در جهان کمی مردم این شهید را نمی شناسند مگر نه برای همه ما در هر زمینه مثال است.

شاعر "علی رضا قزو" این آرزوی شهید قاسم سلیمانی را در شعری این گونه وصف می کند:

از صبر سرشار است باغ از زخم ها لبریز کی می رسد فردا؟ کجا سر می رسد پاییز؟
این سرزمین مانند تو کمتر به خود دیده است من خواننده ام افسانه ها را، قصه ها را نیز
رودی که جاری بود آخر رفت و دریا شد قد رشید ملتی، در ماتمش تا شد

هم نام قاسم بود، (احلی من عسل) بر لب همچون علی اکبر آخر ارباً اربا شد
باری تماشای عروجش گرچه جانکاه است ققنوس ها را مرگ، تازه اول راه است
درد است آری درد، اما جز سعادت نیست درمان درد عشق چیزی جز شهادت نیست

۸. نتیجه گیری

۱. زندگی حاج قاسم برای همه مسلمانان و آزادی خواهان جهان الگو است. الگویی که با پیروی کردن از رفتار و گفتار او می توانیم به هدف برسیم. حاج قاسم تنها برای ملت ایران الگو نیست بلکه او برای تمام آزادی خواهان الگو است. چه از لحاظ روش مقاومت، دلسوز بودن برای ستمدیده کل جهان، صبر و ...

۲. شهید، مقاومت را عامل آزادی و کم رنگ شدن انگیزه های ظلم ظالم می دانست و خود همیشه در برابر ظلم ایستادگی کرد و انگیزه مقاومت را در مردم ایجاد کرد.

۳. زندگی شهید به ما آموخت اگر در دنیا عزت و مقام می خواهی باید تنها برای خدا کار انجام دهی؛ به آن پیمان هایی که با خدا بستی، وفا کنی، خدا نیز به پیمان های خود را وفا می کند. هر چه دشمن با حيله گری خود سعی و تلاش بکند که شما را از بین ببرد هرگز تلاش های او نتیجه نمی یابد. خضوع و خشوع شهید فقط در برابر خدا باعث شد که دشمن همیشه از دست شهید شکست خورد تا حالا اثر آن مانده است.

۴. صبر شهید در برابر سختی نشانه شجاعت اوست، او رفتار امام علی (ع) را در زندگی خود پی برد و به ما هم یاد داد که مقصد همیشه با شمشیر و ابزار جنگی حفظ نمی شود بعضی جا با صبر مقصد خود را حفظ کنیم باید با قوه بصیرت تشخیص دهیم کجا وظیفه ما جنگ است کجا صبر.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

اسلامی نسب، علی (۱۳۷۲)، روانشناسی جانبازی و معلولیت، تهران: چاپخانه مروی.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۶)، وسائل الشیعه، تهران: کتابچی.

سالاری راد، معصومه (۱۴۰۱)، شاخص ترین اوصاف شهید حاج قاسم سلیمانی بر مبنای آیات قرآن کریم.

شیرازی، ناصر (۱۳۸۵)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه امام علی.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۸)، تفسیر المیزان، چاپ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.

قمی، عباس (۱۳۸۳)، مفاتیح الجنان، قم: انتشارات افق فردا.

کلینی، محمدابن یعقوب (۱۳۹۳)، اصول کافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب.

گیلانی، عبدالرزاق (۱۳۸۹)، مصباح الشریعه، لبنان: مؤسسه الاعمالی للمطبوعات.

متقی هندی (۱۳۷۲)، کنز العمال، لبنان: انتشارات الرساله.

مجلسی، محمد باقر (۱۳۱۵)، بحارالانوار، هند: دارالکتب اسلامیه.

محفوظی، عباس (۱۳۹۶)، اخلاق اسلامی، قم: قدس.

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۰)، انسان شناسی در قرآن، قم: مدرسه امام علی.

اخلاق و معنویت در آینه نگاه مقام معظم رهبری (۱۳۸۶)، تهران: مؤسسه فرهنگی قدرولایت.

نسب، علی (۱۳۷۲)، روانشناسی جانبازی و معلولیت اسلامی، تهران: صفی علی شاه.